

بشارت و انذار در قرآن و عهد قدیم با نظر به کتاب اشعیا

لیلا هوشنگی^۱

لیلا شرفی^۲

چکیده

نظریه اهمیت بشارت و انذارات در سیره انبیاء که یکی از راهکارهای عمده آنها برای هدایت و ممانعت از گمراهی انسانها بوده است، در این مقاله سعی شده تا با بررسی موارد برجسته بشارت و انذارات در قرآن کریم و مقایسه آن با نمونه‌های مطرح شده در عهد قدیم، به ویژه کتاب اشعیا که جایگاهی ویژه در این مجموعه دارد، در عین طرح نکات اشتراک و افتراق به زمینه های مشترک موجود در این روش انبیاء پرداخته شود. با توجه به شرایط متفاوت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عصر حاضر و نیاز به ترویج معنویت و مباحث اخلاقی و دینی، مسلماً طرح مجدد و بازنگری این گونه روشهای برآمده از سنت دینی، می‌تواند به نحوی کارآمد در حیطه‌های گوناگون تربیتی و روانشناختی مفید واقع شود.

کلید واژه‌ها: بشارت، انذار، قرآن، عهد قدیم، کتاب اشعیا.

مقدمه

بدون تردید هدف از ارسال رُسل؛ سعادت انسان، در بعد فردی و اجتماعی است. در هر نبوت و دعوتی دو رکن بسیار مهم وجود دارد؛ اول: محتوای رهایی بخش دعوت و دوم، شیوه ابلاغ و ارائه محتوای دعوت.

۱- استادیار دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها).

۲- دانش‌آموختگ کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۶/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۲۷

۱۰۰----- منہاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹
هدف از بعثت انبیاء هدایت مردم به طریق کمال است. برای حرکت انسانها در هر مسیر -
حق یا باطل - علاوه بر آگاهی، انگیزه نیز لازم است. تا زمانی که انسان به کارهای خیر
گرایش نداشته و از کارهای زشت گریزان نباشد، در مسیر درست قدم نمی گذارد و به
پیش نمی رود و این مهم در پرتو بشارت و انذار بدست می آید.

یکی از دستاوردهای عصر ارتباطات آگاهی یافتن مردم از باورهای دینی دیگران است .
رهبران ادیان و مذاهب بیشتر و بهتر از گذشته با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و بر ای
تفاهم می کوشند. این شیوه رفتار بر پیروان ادیان، مخصوصاً ادیان الهی تأثیر خواهد گذاشت.
با وجود این که معتقدیم بخشهایی از تورات کنونی دچار تغییر و تحریف شده است، اما
موارد مشترکی را در ارتباط با بشارت و انذار در تورات و قرآن می توان یافت . این
مسأله خود بیانگو آن است که تمام انبیاء پیام آور یک آئین بودند و آن آئین نزد خداوند
تنها اسلام نامگذاری شده است، یعنی تسلیم در برابر اوامر الهی «ان الدین عندالله
الاسلام» به همین دلیل هم در هیچ جای قرآن از آئین و مکتب انبیاء به لفظ جمع «ادیان»
تعبیر نشده است بلکه همیشه به شکل مفرد بیان شده و این بیانگر ریشه واحد و منبع
مشترک برای ادیان الهی است. بنابراین از دیدگاه قرآن، بشر موظف است بین انبیاء الهی
و کتب آسمانی آنها تبعیض قائل نشده و به همه آنها ایمان آورد و به حقانیت همه آنها
اعتراف نماید (نک: البقره، ۱۳۶) پیامبر گرامی اسلام ایمان قاطع داشت که از سوی
خداوند مبعوث شده تا آن چه را که پیش تر بر موسی (ع) و انبیاء الهی دیگر نازل شده
بود، تصدیق کند و تمامیت بخشد. بر این اساس قرآن بیان تام و کمال یافته کلام الهی
است که بخشهایی از آن پیش تر در جای جای تورات و دیگر کتب آسمانی آم ده است .
از این جاست که می توان پیام قرآن را بر اساس وحی های پیشین مورد مذاقه قرار داد.
با توجه به تعداد زیاد کتب انبیاء در مجموعه عهد قدیم و از آن جا که در میان پیامبران
بنی اسرائیل اشعیا پس از حضرت موسی (ع) دارای بالاترین درجه اعتبار شناخته می شود،
(نک: کهن، ۱۴۲)^۱ کتاب اشعیا را در این مطالعه مقایسه ای مبنا قرار داده شد. کتاب اشعیا

۱- « تمام پیامبران نبوت خود را از پیامبران ماقبل خود دریافت داشتند اما نبوت اشعیا مستقیماً از ذات قدوس
متبارک به او رسید».

بشارت و انذار در قرآن و عهد قدیم با نظر به کتاب اِشْعَیَا ----- 101
یکی از طولانی‌ترین کتب عهد قدیم است که به لحاظ سبک نگارش زیبای آن و کاربرد مؤثر بشارت و انذار در کلامش مورد توجه است و حتی به جهت معرفی مسیح و منجی آینده بنی اسرائیل از نظر مسرّیحیان نیز بسیار با اهمیت است، به حدی که حدوداً در پنجاه مورد در عهد جدید به سخنان او استناد شده است (التفسیر التطبیقی للکتاب مقدس، ۱۳۷۶)

معنای لغوی و اصطلاحی بشارت و انذار

بشارت به کسر و فتح باء به معنای فرح، شادمانی و خبر صادق، و جمع آن بشارت است. بشارت به طور مطلق افاده خیر می‌کند و تنها در صورتی به معنای شرّ است که قرینه‌ای در کار باشد، مانند: «فبشّرهم بعذاب الیم» (الفراهیدی، ۲۵۹/۶) بشارت به معنی خبر مسرّت بخش است. چون کسی خبر مسرّت بخش را بشنود اثر آن در پوست او آشکار می‌گردد. صاحب التحقیق اصل این ماده را به معنای انبساط و گشاده رویی مخصوص و طبیعی در صورت انسان می‌داند و بشر نیز که به انسان اطلاق می‌شود به دلیل یک حالت طبیعی مانند گشاده رویی و تبسم در انسان است و به دلیل همین صفت، ظاهر انسان از ظاهر سایر حیوانات امتیاز یافته است. (مصطفوی، ۲۷۵/۱) گاه بشارت در مورد خبر اندوه بخش به کار می‌رود که آن را یک نوع استعاره می‌دانند. طبرسی در مجمع البیان آن را یک نوع تحکم می‌داند: «فبشّرهم بعذاب الیم» یعنی مژده و پاداش نداری مگر عذاب دردناک. (طبرسی، ۷۲۰/۲) دلایل استفاده از بشارت در مورد خبر بد، برای استهزاء، بیان دلگرمی خبر دهنده و شنونده، افزودن بر درد و رنج کسی، جمع بین عذاب مادی و معنوی است. (عویس، ۴۰۶/۲) بشارت از مکارم اخلاق است که آرزو را در انسانها چنان برمی‌انگیزد و چنان کاری می‌کند که دارو برای مریض نمی‌تواند بکند. (همانجا، ۴۰۷)

معنای اصطلاحی بشارت در قرآن کریم عبارت است از «وعدۀ رحمت و رضوان و بهشت خداوند به کسانی که ایمان آورده‌اند و تقوا پیشه کرده‌اند». (طباطبایی، ۱۲۷/۲)

۱۰۲----- منہاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

بشارت و مشتقات آن ۸۰ مورد در قرآن به کار رفته، این بشارت در ۶۶ آیه آمده است که ۵۳ مورد آن در سوره‌های مکی و ۲۷ مورد در سوره‌های مدنی به کار رفته است. اگر ۶ مورد بشارت را که در مورد عذاب به کار رفته مستثنی کنیم، ۷۴ مورد به معنای اصلی (خبر شادی آور) استفاده شده است. بنابر این آیات بشارت که در مکه و قبل از هجرت آمده است تقریباً دو برابر آیات نازل شده در مدینه است. انذر، ینذر، انذار، به معنای برحذر داشتن، تذکر دادن و آگاه کردن، هشدار و اخطار دادن، متنبه ساختن، بیم دادن و ترسانیدن در ابلاغ آمده است. (راغب اصفهانی، ۷۹۷) «نذرباالشیء، ای علمه فحذره، أنذره بالامرإنذارا ای علمه وحذره من عواقبه قبل حلوله وخوفه فی ابلاغه» (فیومی، ۱ و ۵۹۹/۲)، یعنی: او را نسبت به آن کار، آگاه و از عواقب آن برحذر داشت. فیروزآبادی «إنذار» را به معنی آگاه کردن به امری و پرهیز کردن از آن و خود را برای آن آماده ساختن می‌داند. (فیروزآبادی، ۱۲۷۵) برخی نیز در معنی انذار گفته‌اند: انذار به معنای اعلام است با تخویف. (ابن منظور، ۲۰۲/۵) تخویف از مخوفی که زمان آن وسیع است تا از آن احتراز شود و اگر زمانش وسیع نباشد آن را اشعار گویند و انذار اصطلاحاً به عملی گفته می‌شود که انسان را نسبت به عکس العمل یا نتیجه و عواقب کاری متوجه ساخته و در دل او ترس ایجاد کند و او را از انجام آن عمل بلو دارد تا طریق شیطان را ترک کرده و به نجات و رستگاری دست یابد چرا که خداوند نسبت به بندگانش رحیم است. (عویس، ۲۷۷/۱)

انذار و مشتقات آن ۱۱۶ مورد در قرآن کریم به کار رفته است، ۱۰۰ مورد آن در سوره‌های مکی و ۱۶ مورد در سوره‌های مدنی است. به این ترتیب، نسبت آیات انذار در مکه نسبت به مدینه بیش از شش برابر است.

منظور از بشارت و انذار در عهد قدیم

سخن گفتن از جانب خداوند، اعلام شکوهمند خوبی یا بدی، انذار یا بشارتی است که نتیجه آن دیر یا زود، ولی بالاخره چنان که اعلام شده، تحقق خواهد یافت. معمولاً چنین

بشارت و انذار در قرآن و عهدقدیم با نظر به کتاب اِشْعِیَا ----- 103

پیامی بلمقدمه «چنین گفت یهوه» شروع می‌شود و یا ابلاغ امر با جمله ای شبیه آن «ایشان را بگو خداوند چنین می‌فرماید» و گاه جملاتی که پیام انذار دارند با ندای «افسوس» یا «وای» آغاز شده و یک یا چند عبارت نقلی در پی آن می‌آید که مخاطب پیام را تشریح می‌کند. در پی این مقدمه، انذار و هشدار به طرق مختلف بیان می‌گردد. (رامیار، ۶۸) پیامهای آسمانی که با آه و افسوس آغاز می‌شد روزگاری مشخصه بیانات پیامبران ناحیه جنوب (سرزمین یهودا) بود و بعدها پیامبرانی که در نواحی دیگر بودند هم از این الگو تبعیت کردند. (ویلسون، ۱۸/۱۲) در انذار لحن کلام، پرشکوه و پرنیش و جانگداز است. متقابلاً در بشارت؛ نوازش‌گر، پرلطف، جان‌فزا و پر جاذبه است. در این بیم‌داده‌ها زبان نبی هم چون تازیانه بر پیکر گنه‌آلود ستمکاران فرود می‌آید و لعن و نفرین ابدی نثار می‌کند: «خداوند با ستمکاران و سروران به محاکمه درخواهد آمد، با آنان که جز مال اندوزی و اجرای ناعادلانه احکام و کتابت ظلم، کاری ندارند. آنها که حق را منحرف می‌کنند تا پیرزنان و مسکینان غارت شوند. وقتی خرابی از دور می‌آید به کجا خواهند شد؟» (اشعیاء ۱۴/۳-۱۵، ۸/۵، ۱/۱۰ به بعد) و در مقابل، بشارت لطیف و جان‌پرور است. برای نمونه در فقره ۶ باب ۱۱ کتاب اشعیاء آمده است: «اگر انصاف مثل آب و عدالت مثل نهر دائمی جاری بشود، گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیرپرواری با هم، و طفل کوچک آنها را خواهدراند و ایشان شمشیرهای خود را برای گا و آهن و نیزه خود را برای اره‌ها خواهند شکست. و امتی برای امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت».

از آن‌جا که قوم یهود به عنوان قوم برگزیده خداوند، در همان زمان، مطرح شده و کتب مقدس یهود در بطن تاریخ این قوم شکل گرفته است، جریان نبوت نیز در همین بستر قابل پی‌گیری است. عملاً پس از مرگ سلیمان، قلمرو پادشاهی او، به علت بی‌کفایتی جانشینانش به دو قسمت شمالی (اسرائیل) و جنوبی (یهودیه) تقسیم شد. از انبیاء بزرگ بنی‌اسرائیل در این زمان ایلیا و سپس الیشع مبارزه وسیعی را با مذهب بعل پرستی آغاز کردند. با ظهور این دو پیامبر دوره حمایت از مذهب اخلاقی یهوه آغاز شد و شکست

۱۰۴----- منہاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹
بزرگی در مذهب بعل پرستی که به سبب نفوذ کنعانیان در بین بنی اسرائیل رواج یافته بود، روی داد. پس از مرگ الیشع، عاموس جانشین او شد عاموس برخلاف پیامبران قبلی که همه از سرزمین شمالی بودند، در پادشاهی یهودیه نبوت می کرد هم چنین هوشع در پادشاهی شمالی نبوت می کرد و اشعیای نبی هم در همین زمان به همراه عاموس به نبوت رسید.

جایگاه کتاب اشعیاء

اشعیاء هم عصر با کوروش هخامنشی بود، معنی نام او «خداوند نجات می بخشد» است. او فرزند آموص بود که یهود او را برادر امصیا که شهریار یهودا بود می دانند اشعیاء در زمان سلطنت عزیا، یوئام، آحاز، حزقیا نبوت می کرده است. آن حضرت با پیامبرانی چون هوشع، یوئیل و عاموس و میکاه نبی معاصر بوده است. (هاکس، ۶۹ و ۷۰) او قسمت اعظم زندگی خود را در اورشلیم سپری کرده و مورد مشورت ش اهان یهودیه (عزیا، یوئام، آحاز، حزقیا) بود، هرچند که بیشترین نفوذ را بر حزقیای پادشاه داشت. بیشتر انبیاء بنی اسرائیل هنگام توصیف خداوند، اغلب او را خدایی خشمگین و غیور تصور می کنند. عظمت خدایی که اشعیاء تجربه کرد نیز همین گونه نمایش داده شده است. در نگاه اول این جنبه ای ناخوشایند از تصویر خداوند است. اما احساس خشم خداوند، روشی برای نمادپردازی و بیان ماهیت خطیر قداست و قدرت خداوند است. این تجربه پیامبر، مبین شکاف میان خدا و انسان است، به علت گناهکاری او است که خدا را این چنین ترسناک به تصویر می کشد. (اسمارت، ۲۲/۲ و ۲۳) اشعیاء، بدترین شرور اجتماعی را در فقر و تنگدستی می دید که باعث ایجاد تمایزات اجتماعی است و این تمایزات بزرگترین مانع تکامل روحی و اخلاقی در مسیر وحدت انسانی و استقرار حاکمیت خداوند است. (اپستاین، ۶۴)

به این پیامبر، نویسنده بعضی از کتب تاریخی را هم نسبت می دهند، از جمله آنها می توان به کتاب «حیات عزیا» و «سیرت حزقیا» اشاره کرد. (بی آزارشیرازی، ۴۲۶)

هدف اساسی در کتاب اشعیا

دعوت امت یهودا به بازگشت به سوی خدا و پیشگویی آمدن نجات و خلاص الهی از طریق مسیح می باشد. این کتاب حاوی شصت و شش باب و طولانی ترین کتاب انبیاء در کتاب مقدس عبرانیان است. شکل کنونی آن در آغاز قرن دوم قبل از میلاد تهیه شده است. در طومارهای بحرال میت^۱ هم چون عهد جدید تمام شصت و شش باب این کتاب تصنیف واحدی لحاظ شده است.^۲ دکتر آلبرایت، یکی از بزرگترین باستان شناسان کتاب مقدس، تاریخ طومارها را هزار سال قدیمی تر از کهن ترین نسخه هایی می داند که از نسخ عبری کتاب مقدس به دست آمده است. (همان جا) اما برخلاف این منابع متقدم، پژوهشگران جدید عموماً بین باب های ۱ تا ۳۹ کتاب اشعیا و ۴۰ تا ۶۶ آن تفکیک قایل شده آن را دو کار مجزا می دانند که توسط دو مؤلف جداگانه نوشته شده است. ۳۹ باب اول کتاب اشعیا به این ترتیب عنوان «دیدگاه های اشعیا پسر عاموس» گرفته و باب های ۴۰ تا ۶۶ به پیامبر گمنامی نسبت داده می شود که پژوهشگران او را «اشعیا دوم» یا «اشعیا ثانی» می نامند. برخی پژوهشگران حتی قایل به وجود «اشعیا سوم» یا «اشعیا ثالث» هستند که معتقدند مولف باب های ۵۶ تا ۶۶ بوده زیرا لحن و مسیر کلام این باب ها، انتقادی تر و تندتر از باب های ۴۰ تا ۵۵ است. از دیدگاهی دیگر، اشعیا را شاعر می شناسند، بنابراین به عقیده بعضی، فقط آن قسمت هایی از متن که نگارش شاعرانه دارد اصل و متقن است. هم چنین باب هایی مثل باب اول (۱۸ تا ۲۰) که ساختار منظوم ندارد و باب ۴ (۶-۲) که متن مثنوی است و با متن پس و پیش از خود فرق دارد نیز در زمره بخشهایی از کتاب شمرده می شود که

۱- طومارهای بحرال میت به مجموعه مدارک دست نویسی (۹۰۰ نسخه خطی) اطلاق می شود که بین سال های ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۶، بعد از گذشت دو هزار سال از زیر تلی از خاک در یازده غار در طول ساحل شمال غربی بحرال میت به ویژه در مناطق قمران (Qumran)، مربعات (Morabbaat)، خربت م رد (Khirbat Mird)، عین قدی (Gedi-En) و مسده (Masada) کشف شدند. وادی قمران در ۲۱ کیلومتری شرق اورشلیم قرار دارد.

2- Yehshua . Gitay, "Isaiah", in Encyclopaedia of Religion, ed, Mircea Elyade, New York, 1995, Vol 7, pp 289-295.

۱۰۶----- منہاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹
بعدها تألیف شده است. پژوهشگرانی از قبیل بارث، کلمنتس، و کایزر قائل به دستبرد
در متن این کتاب جهت روزآمد کردن اصل نبوت اشعیا هستند. (گیتای، "Isaiah", 90)
اشعیا جهان‌نگری سیاسی مذهبی خاصی داشت که به زمان حاضر محدود نمی‌شد. او
مردی صاحب بصیرت بود و دریافت مذهبی کاملی داشت که به وسیله آن تا ماورای
روز حتمی‌الوقوع رستاخیز را می‌دید. البته باید در نظر داشت که اختلاف سبک یا
اختلاط روش‌های نگارش شاید ناشی از موضوع باشد و در این پیام خاص نبوی این امر
عمداً صورت گرفته باشد. اشعیا از انواع گوناگون سبک‌ها بهره‌برده است: حکایت (۱)،
(۵)، تطبیق (۲/۱ و ۳)، توصیف زنده (۴/۱ - ۹)، بحث و جدل (۱۰/۱ - ۱۷)، مرثیه (۱)،
(۲۱)، هجو (۳، ۴)، پیش‌بینی (۷/۷ - ۹)، روایت (۷، ۱۱، ۸، ۱) و در موارد فراوان استعاره.
اشعیا ثانی پیامبر ناشناخته‌ای که در نتیجه تحولات مهم سیاسی (تبعید و آوارگی قوم)
مبعوث شد و معلوم بود که هدف از نبوتش ترغیب جامعه تبعیدی به آینده‌ای سرشار از
مواعید و امیدهای نیک بود. او قبل از هر چیز باید با بحران دینی جنگیده و منکرش
می‌گشت. ندای هاتف که می‌گوید: «تسلی دهید، قوم مرا تسلی دهید، خدای شما
می‌گوید»، (اشعیا ۱/۴۰)، به جای «کسی نیست تا مرا تسلی دهد» (مراثی ارمیا ۱/۲۱)
قرار گرفت. به علاوه دلیلی برای احساس گناهی که قوم به خاطر گناهان نیاکان خود
می‌کردند نبود و عصر تازه‌ای از جهت روحی و دینی آغاز گشته بود؛ جنگ اورشلیم
پایان یافته و خداوند آن شهر را عفو فرموده بود. (اشعیا، ۱۲/۴۰) از این رو دیگر از آن
تهدیدهایی که ویژگی دوره‌های مأموریت انبیای کتاب مقدس بود، خبری نبود و کلام
اشعیا یثقی عاری از تهدیدات بیان می‌شد. (گیتای، "Isaiah", 293)

علت تفاوت متعلقات بشارت و انذار در قرآن و عهدقدیم

در قرآن کریم بشارت و انذار غالباً به امور اخروی تعلق دارد، هرچند که کلمه دنیا و
آخرت در قرآن کریم هر یک به یک میزان (۱۱۵ بار) تکرار شده است. اما با توجه به
آیه ۳۹ سوره العافر «انما هذه الحمله الدنيا متاع و ان الاخره هی دار القرار»، و آیه ۷۷
سوره النساء «متاع الدنيا قليل و الاخره خیر لمن اتقى و لا تظلمون فتیلا» که دنیا را

بشارت و انذار در قرآن و عهد قدیم با نظر به کتاب اِشْعَیَا ----- 107

بازیچه و کالایی کم بهاء، معرفی می کند و آخرت را محل آرامش و استقرار دائمی می داند این بدین معنی است که اگر انسان از دنیا برای کسب توشه و آمادگی برای آخرت استفاده نکند در اصل آخرت را از دست داده است؛ پس دنیا مقدمه ای برای رسیدن به حیات ابدی است و به همین جهت ارزشمند است. به همین دلیل بیشتر بشارت‌های مطرح شده در قرآن کریم اخروی است. مثلاً پاداش اطاعت از خدا و فرامین الهی، رسیدن به بهشت و جاودان بودن نعمتهای آن معرفی شده است. (نک: البقره، ۸۲؛ النساء، ۱۲۴؛ الاعراف، ۴۲؛ الحج، ۱۴ و ۲۳)

بنا به نظر برخی محققان در اسفار خمسه (تورات) متعلق بشارت و انذار عموماً دنیوی است و در این مجموعه نمی توان مطلب صریحی که مؤید حساب اخروی باشد یافت. البته در عهد قدیم اشارات اندکی به آخرت شده، از جمله در امثال سلیمان: «اما به جهت ترس از خداوند تمامی روز قوی باش زیرا که البته آخرت هست» (نک: حسین نوری، ۳۱/۱۳۸۳) آیه ۳۴ و ۳۵ سوره الدخان نیز بیانگر عدم اعتقاد یهود به رستاخیز است. «ان ه لواء ليقولون ان هي الاموتتنا الاولى و ما نحن بمشترين» بنابر روایات کتاب مقدس به نظر می رسد که اسرائیلیان به زندگی پس از مرگ، روح، کیفر و پاداش، بهشت و جهنم اعتقاد روشنی نداشته اند و فقط در این حد آمده است که مردگان به وادی که شئول نامیده می شد منتقل می شوند و دقیقاً مشخص نیست که در آن جا چه سرنوشتی خواهند داشت. پاداش و کیفر در همین دنیا نصیب انسان می شود. آن که به دستور یهوه عمل کند از زندگی طولانی و خوب برخوردار می شود و مرگ زودرس کیفر الهی است که بدکاران و کافران به آن دچار می شوند، زندگی طولانی بالاترین سعادت است.

البته در ابتدا و در اسفار پنجگانه، اغلب کیفرها در این دنیا و بیشتر به صورت دسته جمعی و گروهی مطرح می شود، مثلاً چون به دستورات یهوه عمل نکردند به مصیبت و بلا دچار شدند و یا مغلوب اقوام دیگر شدند. «خداوندا، بر ما سخت نگیر و ما را ببخش هر چند گفته ای که گناه را بدون سزا نمی گذاری و به خاطر گناه پدران، فرزندان را تا نسل سوم و چهارم مجازات می کنی.» (اعداد، ۱۷/۱۴ و ۱۸) و کمتر به مجازات اخروی اشاره شده است. مثلاً در سفر تثنیه چنین آمده: «پدر و مادر خود را احترام کن

۱۰۸----- منہاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

زیرا این فرمان خداوند است اگر چنین کنی در سرزمینی که خداوند به تو خواهد بخشید عمری طولانی و پربرکت خواهی داشت. « (تثنیه، ۱۶/۵) «آنچه خداوند می‌پسندد انجام بده تا زندگی پربرکت شود و به سرزمین حاصل خیزی که خداوند به پدرانتان وعده داده بود وارد شوید و تمام دشمنان را به کمک خداوند بیرون رانید. « (تثنیه، ۱۸/۶) شواهدی از این قبیل در تورات بسیار است.

یهودیان در اکثر مواقعی که از آخرت سخن می‌گویند، به معنای وجود یک دنیایی برای حساب و واریسی اعمال و کردارهای این دنیایی آدمی نیست بلکه به این معناست که یهودیان فاقد حیات با سعادت و زندگی آزاد و مرفه که تحت سلطه و ستم، یا در آوارگی به سر می‌بردند در صورت مُردن، حق آنهاست که بار دیگر به زندگی برگردند و به نصیب و سهم خودشان نائل آیند. (شلیبی، ۱۷۹/۲)

اما در سخنان انبیاء متأخر (اشعیا و انبیاء بعدی) کيفر و پاداش فردی مطرح و بر آن تأکید شده است. این نکته در این فقره به نحو برجسته ای مطرح شده است: «در آن هنگام دیگر بار نخواهند گفت، پدران انگور ترش خوردند و دندان پسران کند گردید بلکه هر کس به گناه خود خواهد مرد، هر کس غوره بخورد دندان خودش کند می‌شود» (ارمیا، ۲۹/۳۱-۳۱) هم‌چنین اشاراتی به حیات بعد از مرگ و حساب اخروی شده است. بنا به آراء محققان، اعتقاد به آخرت و بهشت و جهنم و حساب اخروی بعد از این که یهود امید به این که سروری و برتری روی زمین را به دست آورند از دست دادند و به تبعید و اسارت رفتند، تحت تأثیر تعالیم دینی همسایگان جدید (فارس)، که معتقد به دیانت زرتشت بودند، به نحوی روشن در کتب عهد قدیم منعکس شده است. در این دوره است که اشعیا کلامش را ناظر به روز بعث و حساب و پاداش اخروی آغاز می‌کند. (همو، ۱۹۵/۲)

موسی بن میمون، متکلم برجسته یهود معتقد است که تنها نیکان برخوانند خاست ولی بدکاران که حتی در زمان حیات خود نیز مرده به شمار می‌روند، از رستخیز بهره ای ندارند. (نک: کریستون، ۹۶) ابن کمونه در کتاب «تنقیح الابحاث عن الملل الثلاث» درباره علت عدم ذکر قیامت در تورات و غالب بودن پاداش و عقاب دنیوی چنین

بشارت و انذار در قرآن و عهد قدیم با نظر به کتاب اِشْعَیَا ----- 109
اظهار کرده است: «انبیاء به راهنمایی خداوند پزشکان و طبیب دلها هستند و طبیب، دردی که در جان مریض هست مداوا می کند بلکه مرضشان پرستش بت ها و ستارگان و ... بود، در آن زمان اکثر قوم به آفت بت پرستی دچار شده و معتقد بودند پرستش خدایان بعل باعث آبادانی زمین و افزایش میوه و محصول می شود. خداوند می خواست که این افکار غلط را از اذهان آنان بردارد و به وسیله موسی به آنها خبر داد که اگر ستارگان و بتها را پرستش کنند، باران قطع می شود و زمین خراب می گردد و میوه ها و محصولات از بین می رود و امراض روی می آورند و عمرها کوتاه می گردد و اگر به عبادت خدای روی آورند حاصلخیزی زمین و صحت و سلامتی و طول عمر را خواهند داشت و به همین دلیل وعده وعیدهایی در همین مورد در جای جای تورات تکرار شده است، در نتیجه، خداوند قصد داشته با این افکار مبارزه کرده و ثابت کند که پرستش خدا باعث آبادی زندگی دنیا می شود. (ابن کمونه، ۴۱ و ۴۲)

بشارتهای انبیاء در قرآن و عهد قدیم

بشارتهای دنیوی و اخروی به مؤمنین صالح در قرآن

مؤمنینی که ایمان خود را با اعمال صالح رشد داده و شکوفا کرده اند بیشترین بشارتها را در آیات قرآن به خود اختصاص داده اند. در آیات بسیاری به پاداش مؤمنان صالح اشاره شده که البته غالب این پاداشها اخروی است که به چند نمونه اشاره می شود.

♦ «والذین امنوا و عملوا الصالحات اولئک اصحاب الجحیم هم فیها خالدون» (البقره ، ۸۲)، یعنی: و کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته کرده اند، آنان اهل بهشتند، و در آن جاودان خواهند ماند.

♦ «و من يعمل من الصالحات من ذکر او انثی و هو مومن فلولئک یدخلون الجنه و لا یظلمون نقیرا» (النساء، ۱۲۴)، یعنی: و کسانی که کارهای شایسته کنند - چه مرد باشند یا زن - در حالی که مؤمن باشند، آنان داخل بهشت می شوند و به قدر گودی پشت هسته خرمایی مورد ستم قرار نمی گیرند.

۱۱۰----- منہاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

♦ «ان الله يدخل الذين امنوا و عملوا الصلحاحات جنات تجرى من تحتها الانهار ان الله يفعل ما يريد» (الحج، ۱۴)، یعنی: بی گمان، خدا کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند به باغهایی درمی آورد که از زیر [درختان] آن رودها روان است. خدا هر چه بخواهد انجام می دهد.

♦ «ان الله يدخل الذين امنوا و عملوا الصلحاحات جنات تجرى من تحتها الانهر يحلون فيها من اساور من ذهب و لؤلؤا و لباسهم فيها حرير» (الحج، ۲۳)، یعنی: خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند در باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درمی آورد، در آنجا با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می شوند، و لباسشان در آنجا از پرنیان است.

پادشهای دنیوی برای مؤمنان صالح

♦ یکی از مهمترین پادشهای دنیوی وعده وراثت زمین برای بندگان صالح است: «و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون» (الانبياء، ۱۰۵)، یعنی: در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

♦ در آیه دیگر بشارت زندگی پاکیزه و حیات طیب برای نیکوکاران مطرح شده است: «من عمل صالحا من ذكر او انثى و هو مومن فلنحیینه حياه طيبه و لنجزینهم اجرهم بلحسن ما كانوا يعملون» (النحل، ۹۷)، یعنی: هر کس - از مرد یا زن - کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند پاداش خواهیم داد.

♦ قدرت تشخیص و تمیز حق از باطل نتیجه دیگری برای صالحان است: «یا ایها الذین امنوا ان تتقوا الله يجعل لكم فرقانا و یکفر عنکم سیئاتکم و یغفر لکم و الله ذو الفضل العظیم» (الانفال، ۲۹)، یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا دارید، برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می دهد و گناهانتان را از شما می زداید و شما را می آمرزد و خدا دارای بخشش بزرگ است.

بشارت و انذار در قرآن و عهد قدیم با نظر به کتاب اشعیا ----- 111

♦ سکینه و آرامش دل ثمره دنیوی دیگری برای اهل ایمان است : «الذین امنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب» (الوعد ، ۲۸)، یعنی : همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

♦ محبت و دوستی فرد مومن را خداوند در دل دیگران قرار می‌دهد: «ان الذین امنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا» (مریم، ۹۶)، یعنی: کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به زودی [خدای] رحمان بر ای آنان محبتی [در دل‌ها] قرار می‌دهد.

بشارت به مطیعان و ایمان آورندگان در کتاب اشعیا

«اطاعت از خدا موجب آرامش خواهد شد» (اشعیا ، ۱۱/۲۸ و ۱۲)، یعنی : کسی که می‌تواند درستکار باشد، به راستی عمل نماید، بخاطر منافع خود ظلم نکند رشوه نگیرد، با کسانی که شرارت و خباثت می‌کنند همدست نشود، چنین اشخاصی در امنیت به سر خواهند برد و صخره‌های محکم پناهگاه ایشان خواهد بود . (اشعیا، ۱۶-۱۴/۳۳)

«در روزهای آخر، کوهی که معبد بزرگ خداوند بر آن بنا شده، بلندترین کوه دنیا می‌شود و ملت‌های مختلف به آن جا می‌آیند و اقوام بسیار خواهند گفت : بیایید به کوه خداوند و معبد بزرگ خدای اسرائیل برویم، زیرا خداوند در صهیون با قوم خود سخن می‌گوید و در بین اقوام جهان داوری می‌کند. اختلافات قدرتهای بزرگ را در دور و نزدیک جهان حل می‌کند. مردم از شمشیرهای خود گاو آهن و از نیزه های خود اهره می‌سازند. قومی به روی قوم دیگر شمشیر نمی‌کشد و برای جنگ و خونریزی آماده نمی‌شود، بیایید در نوری که خداوند به ما می‌دهد گام برداریم.» (اشعیا، ۱/۲- ۵) «به درستکاران بگویید که سعادت‌مندی نصیب شما خواهد شد و از ثمره کارهای خوب خود بهره مند خواهید شد.» (اشعیا، ۱۰/۳)

۱۱۲----- منہاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

بشارت به توأین در قرآن و عهدقدیم

در مقایسه بشارتها در قرآن کریم و عهدقدیم باید به آیات بسیاری که ناظر به توبه است پرداخته شود. به توأین بشارتهای بسیار زیادی داده شده است از جمله این آیه : «یا ایها الذین امنوا توبوا الی الله توب نصوحا عسی ربکم ان یکفر عنکم سیئاتکم و یدخلکم جنات تجری من تحتها الانهار یوم لایخزی الله النبی و الذین امنوا معه نورهم یسعی بین ایدہم و لیلیمانہم یقولون ربنا اتمم لنا نورنا و اغفر لنا انک علی کل شیء قذیر» (التحریم، ۸)، یعنی: ای کسانی که ایمان آورده اید، به درگاه خدا توبه ای راستین کنید، امید است که پروردگارتان بدیهایتان را از شما بزداید و شما را به باغهایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است درآورد. در آن روز خدا پیامبر [خود] و کسانی را که بباو ایمان آورده بودند خوار نمی گرداند: نورشان از پیشاپیش و سمت راستشان، روان است. می گویند: پروردگارا، نور ما را برای ما کامل گردان و بر ما ببخشای، که تو بر هر چیز توانایی.

توبه نصوح، توبه خالص و کامل است که شخص توبه کننده به هیچ وجه بازگشت به گناه نکند آن چنان که شیر به پستان هرگز باز نمی گردد! این تعبیر لطیف بیانگر این واقعیت است که توبه نصوح چنان انقلابی در انسان ایجاد می کند که راه بازگشت به گذشته را به کلی بر او می بندد. (مکارم شیرازی، ۲۴/۲۹۱) و در ادامه آثار این توبه که توبه خالص و محکم و کامل است بیان شده : آمرزش گناهان، ورود به بهشت با نورانیت است.

در کتاب اشعیاء در این باره چنین آمده است: «ای گناهکاران از کارها و فکرهای فاسد خویش دست بکشید و بسوی خدا برگردید زیرا او بسیار بخشنده است و به شما رحم خواهد کرد.» (همانجا، ۷/۵۵) «خدای متعال که تا ابد زنده است می گوید : من در مکانهای بلند و مقدس ساکنم و نیز در وجود کسی که روحی متواضع و توبه کار دارد، تا دل او را زنده سازم و نیروی تازه به او بخشم.» (همانجا، ۱۵/۵۷) «اگر توبه کنید من شما را از گناهان پاک کرده و اگر مرا اطاعت کنید شما را از محصول یاد بهره مند

بشارت و انذار در قرآن و عهد قدیم با نظر به کتاب اِشْعَیَا ----- 113
می گرداند.» (همان جا، ۱۸/۱-۱۹) «خداوند می فرماید: من نزد کسی ساکن می شوم که
فروتن و توبه کار است و از کلام من می ترسد.» (همان جا، ۲/۶۶)
همان طور که ملاحظه می شود به توأیین در هر دو کتاب، وعده پاک شدن از گناهان داده
شده، اما در قرآن پاداش برتر، بهشت است و در عهد قدیم بهره مندی دنیایی.
در تلمود^۱ نیز درباره توبه و آثار آن بیانات مبسوطی مطرح شده است که در این جا به
چند جمله اشاره می کنیم: «عظیم است توبه، که اثر آن تا اورنگ جلال الهی می رسد
عظیم است توبه، که نجات را نزدیکتر می سازد. عظیم است توبه که سالهای عمر انسان
را طولانی تر می کند.» «در درجاتی که توبه کاران می ایستند، نیکوکاران کامل نمی توانند
بایستند.» «ذات قدوس متبارک به اسرائیل چنین فرمود: فرزندانم شما منفذی از توبه به
اندازه سوراخ سوزن به روی من باز کنید، تا من بر روی شما دروازه هایی از رحمت
بگشایم. دروازه های نماز و دعا گاهی باز و گاهی بسته اند، اما دروازه های توبه همواره
گشاده هستند.» (کهن، ۱۲۲-۱۲۳)

بشارت به متوکلان در قرآن و عهد قدیم

در بسیاری از آیات قرآن کریم، داشتن توکل، نتیجه ایمان به خدا و تسلیم امر او بودن
اعلام شده است و برای متوکلان بشارت به عدم تسلط شیطان بر آنها در این جهان و
پاداش بزرگ آخرت مطرح شده است:

- ◆ «فلذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم» (النحل، ۹۸) «انه ليس له سلطان
على الذين امنوا و على ربهم يتوكلون» (النحل، ۹۹)، یعنی: پس چون قرآن می خوانی از
شیطان مطرود به خدا پناه بر، چرا که او را بر کسانی که ایمان آورده اند، و بر
پروردگارشان توکل می کنند، تسلطی نیست.
- ◆ «و الذين هاجروا في الله من بعد ما ظلموا لنبوهم في الدنيا حسرة و لاجر الاخره اكبر
لو كانوا يعلمون.» (نحل، ۴۱) «الذين صبروا و على ربهم يتوكلون» (النحل، ۴۲)، یعنی:

۱- دومین کتاب مقدس یهود پس از تورات می باشد که شامل شرح و تفسیر تورات می باشد.

۱۱۴----- منہاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

و کسانی که پس از ستم‌دگی، در راه خدا هجرت کرده‌اند، در این دنیا جای نیکویی به آنان می‌دهیم، و اگر بدانند، قطعاً پاداش آخرت بزرگتر خواهد بود. همانان که صبر نمودند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند.

در کتاب اشعیا توکل به خدا مایهٔ آسودگی خاطر و آرامش و مالکیت زمین است : «به سوی من بازگشت کنید و با خیالی آسوده به من توکل و اعتماد کنید تا نجات یافته و قدرت کسب کنید». (همان‌جا، ۱۵/۳۰)

«ای کسانی‌که ترس خداوند را در دل دارید و مطیع و خدمتگزار او هستید ، به خداوند اعتماد و توکل داشته باشید، هر چند راه شما تاریک باشد و هیچ نوری به آن نتابد، اما شما به خدای خود اعتماد داشته باشید. کسانی‌که به روشنایی خود اعتماد می‌کنند و خود را با آتش خویش گرم می‌کنند ، زندگی را با غم و اندوه سپری خواهند کرد .» (همان‌جا، ۱۰/۵۰-۱۱)

«سانی‌که به من توکل کنند مالک زمین و وارث کوه مقدس من خواهند شد .» (همان‌جا، ۱۳/۵۷)

بشارت به روزه داران در قرآن و عهد قدیم

در قرآن کریم ثمرهٔ روزه‌داری ، کسب تقوا ذکر شده است و برای متقین در قرآن بشارت‌های بسیاری مطرح شده است از جمله می‌توان به نجات از عذاب، از بین رفتن و آمرزش گناهان ، و افزایش پاداش اعمال آنها اشاره کرد: «و نجینا الذین امنوا و کانوا یتقون» (الفصلت، ۱۸)، یعنی : کسانی را که ایمان آورده بودند و پروا می‌داشتند رهنانیدیم. (از عذابی که برای قوم ثمود حتمی شده بود . «من یتق الله یکفر عنه سیئاته و یعظم له اجرا» (الطلاق، ۵)، یعنی: کسانی را که ایمان آورده بودند و پروا می‌داشتند رهنانیدیم. (از عذابی که برای قوم ثمود حقی شده بود .

برای به دست آوردن ملکهٔ تقوا یکی از مهمترین اعمال روزه داری است : «علیها الذین امنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون» (البقره، ۱۸۳)،

بشارت و انذار در قرآن و عهد قدیم با نظر به کتاب اِشْعِیَا ----- 115

یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما مقرر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود، باشد که پرهیزگاری کنید.

در قرآن کریم به باطن اعمال بسیار توجه شده و به پرداخت صدقه از سوی مؤمن، تأکید خاص شده است و صدقه و احسان خود خواسته مانند وظیفه شخصی در برابر نیازمندان تلقی شده است که برای رسیدن به مقام ابرار باید از چیزهای دوست داشتنی خود انفاق کرد. (ماسون، ۷۶۰) در تأیید این مطلب به آیات ذیل توجه کنید :

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَلَنْ يُلْقَهُ اللَّهُ بِهِ عَلِيمٌ» (آل عمران، ۹۲)

و به انفاق کننده‌گان نیز بشارت به افزایش ثواب و چند برابر شدن مال صدقه داده شده و ایمنی از ترس و حتی اندوه در قیامت مطرح شده است: «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (البقره، ۲۷۴)، یعنی: کسانی که اموال خود را شب و روز، و نهان و آشکارا، انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. «مِثْلَ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمِثْلِ حَبَّةِ انْبِتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.» (البقره، ۲۶۱)

اشعیا هم روزه بدون صدقه را بی ارزش می‌دانست: «قوم اسرائیل می‌گویند چرا وقتی روزه می‌گیریم خداوند نمی‌بیند و به ما توجه نمی‌کند. خداوند در پاسخ می‌گوید: شما در ایام روزه داری باز دنبال سود خود هستید و بر کارگران زیر دست ظلم و ستم می‌کنید. روزه‌داری شما باعث می‌شود با یکدیگر با خشونت رفتار کنید و بجنگید. من روزه‌هایی را می‌پسندم که زنجیرهای ظلم را پاره کنید و یوغ ستم را بشکنید و مظلومان را آزاد کنید، خوراکتان را با گرسنگان تقسیم کنید و فقیران بی کس را به خانه خود آورید، اشخاص برهنه را لباس بپوشانید و از کمک به بستگان دریغ نکنید. اگر چنین کنید من نیز رحمت خود را همچون سپیده دم بر شما خواهم تاباند و امراض شما را شفا خواهم داد و حضور پر جلال من همیشه با شما خواهد بود و شما را از هر طرف

۱۱۶----- منہاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹
محافظت خواهم کرد، وقتی دعا کنید اجابت خواهم کرد و هنگامی که کمک بخواهید
به یاری شما خواهم آمد». (اشعیا، ۵۸/۳-۱۰) و (نک: ماسون، ۷۵۹)

بشارت به پیامبر خاتم در عهد قدیم

در باب ۴۲، کتاب اشعیا نبی به ظهور پیامبر خاتم چنین بشارت داده شده است :
«اینک بنده من که او را دستگیری نمودم و برگزیده من که جانم از او خشنود است، من
روح خود را بر او می نهم تا انصاف را برای امت ها صادر سازد. او فریاد نخواهد زده و
آواز خود را بلند نخواهد نمود، او ضعیف نخواهد گردید و منکسر نخواهد شد تا
انصاف را بر زمین قرار دهد مردم سرزمینهای دوردست به اشتیاق منتظر شریعت او
باشند، خدا یهوه که آسمانها را آفرید می گوید: من که یهوه هستم ت و را به عدالت
خوانده ام و دست تو را گرفته، تو را نگاه خواهم داشت و تو را عهد قوم و نور امت
خواهم گردانید. تا چشمان کوران را بگشایی و اسیران را از زندان و نش ستگان در
ظلمت را از محبس بیرون آوری. مردم قیدار خداوند را حمد گویند تمام کسانی که به بتها
توکل دارند پست و شرمسار خواهند شد». (همان جا، ۱۷-۱/۴۲)
در سخنان فوق، به فردی اشاره می شود که برگزیده است و می دانیم که مصطفی
(= برگزیده) یکی از القاب حضرت محمد (ص) است. به فریاد نردن او و عادل بودن
او اشاره می کند که خصلتهای حضرت محمد (ص) است. می گوید او ضعیف نخواهد
شد تا انصاف را در زمین برقرار کند و می دانیم حضرت محمد (ص) بارها به امداد الهی
از شکست و کشته شدن به دست دشمن نجات یافت. می گوید جزیره ها منتظر شریعت
او هستند، حضرت محمد (ص) نیز صاحب شریعت بودند، در حالی که اکثر انبیاء
صاحب شریعت نبودند و تنها به تبلیغ شریعت پیامبر صاحب شریعت می پرداختند.
گفته شده است که او می آید تا کوران را شفا دهد، زندانیان را آزاد کند و نش ستگان
در ظلمت را از محبس بیرون آورد، و این کوران، زندانیان و ظلمت نشینان، همان
قوم عرب بودند که چشمشان به روی حقیقت بسته و زندانی جهل خود بودند و در

بشارت و انذار در قرآن و عهد قدیم با نظر به کتاب اِشْعِیَا ----- 117

ظلمات جاهلیت نشسته بودند. گفته شده است که قریه های که اهل قیدار در آنها ساکن باشند آواز خود را بلند نمایند، نظر به اینکه قیدار جدّ حضرت محمّد (ص) از نوادگان حضرت اسماعیل (ع)، به انقلابی بزرگ از سوی اعراب و یکی از نوادگان قیدار و حضرت اسماعیل (ع) اشاره دارد که همان حضرت محمّد (ص) است. از غلبه خدا بر دشمنان سخن رفته است که این امر به ج ننگ های حضرت محمّد (ص) که منجر به در هم شکستن کفر و شرک شد، اشاره دارد. از تبدیل ظلمت و کجی به نور و راستی سخن گفته شده است، که این امر نیز با ظهور حضرت محمّد (ص) و نجات مردمان از جاهلیت که ظلمت و کجی بود و هدایتشان به نور و راستی همخوانی دارد. در آخر از خجالت زده کردن و عقب راندن پرستندگان بتها سخن گفته شده است و این سخن آشکارا نشان می دهد که آن مرد باید بین مردمی که بت پرست هستند مبعوث شود.

پروفسور عبدالاحد داوود (کشیش مسلمان شده) این پیشگویی های اشعیای نبی را در پرتو پیشگویی اولیه حضرت موسی که قبل از وفاتش نمود می داند: «یهوه از سینا آمد و از سعید بر ایشان طلوع نمود و از جبل فاران (کوههای مکه) درخشان گردید.» (تنقیح، ۱/۳۳ - ۳) و از آن نتیجه می گیرد که حضرت محمد (ص) همان نواده حضرت اسماعیل و قیدار است که در بیابانهای فاران سکونت گزید. و محمد (ص) تنها پیامبری است که اعراب به وسیله او در زمانی که تاریکی زمین را فرا گرفته بود، به دریافت وحی خداوند نایل آمدند و خداوند از طریق محمد (ص) از جبل فاران درخشید. مکه در این منطقه تنها محلی است که به خانه خدا تبدیل شد و شکوه و جلال یافت.

(عبدالاحد داوود، ۱۸ و ۱۹)

بعضی معتقدند که نام پیامبر اسلام در بشارت فوق صریحاً مذکور بوده و پس از اسلام، دست خوش تحریف و اسقاط مترجمین گردیده است. این احتمال از دو جهت مورد تأیید قرار می گیرد:

۱- کلمه «برگزیده» که در آیه اول باب ۴۲، مذکور است به معنی مصطفی است که از القاب معروف آن حضرت است.

۱۱۸----- منہاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹
۲- در ترجمه‌ای که کشیش اوشکان ارمنی در سال ۱۶۶۶ به زبان ارمنی، بر کتاب
اشعیای پیامبر نوشته و در سال ۱۷۳۳ در چاپخانه «آنتونی بورتولی» چاپ شده، آیه ۱۰
از باب ۴۲ را چنین ترجمه کرده است: «تسبیح کنند خدا را به تسبیح جدید و اثر
سلطنت او بعد از اوست و نامش احمد است». (صادقی، ۱۳۲)

انذارهای انبیاء

انذار نامطیعان در قرآن و عهد قدیم

در قرآن کریم عقوبت عدم اطاعت از فرامین الهی عذاب جهنم که همیشگی است ذکر
شده و مجازات «خدا فراموشی»، بی‌اعتنائی خداوند به آن بنده عنوان شده است:
♦ «فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا انا نسیناکم و ذوقوا عذاب الخلد بما کنتم تعملون»
(سجده، ۱۴)، یعنی: پس به [سزای] آنکه دیدار این روزتان را از یاد بردید [عذاب را]
بچشید ما [نیز] فراموشتان کردیم و به [سزای] آنچه انجام می‌دادید عذاب جاودان
را بچشید.

♦ «و قیل الیوم نساکم کما نسیتم لقاء یومکم هذا و م اواکم النار و ما لکم من
ناصرین» (جاثیه، ۳۴) و گفته شود: «همان‌گونه که دیدار امروزتان را فراموش کردید،
امروز شما را فراموش خواهیم کرد و جایگاهتان در آتش است و برای شما یاورانی
نخواهد بود».

♦ «و من یعص الله و رسوله فلن له نار جهنم خلدین فیها ابدًا» (جن، ۲۳)، یعنی: هر
کس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند قطعاً آتش دوزخ برای اوست و جاودانه در آن
خواهند ماند.

در تفسیرالمیزان مراد از «معصیت» نافرمانی خدا در دستوراتی است که در باره اصول
دین دارد، مانند توحید و نبوت و معاد و سایر متفرعات آن. بنابراین، وعده و تهدید به
خلود در آتش که در آیه آمده، تنها شامل کفار و منکرین اصول دین می‌شود، نه هر
عاصی و گنهکار و متخلف از فروع دین. (طباطبایی، ۵۲/۲۰)

بشارت و انذار در قرآن و عهد قدیم با نظر به کتاب اِشْعِیَا ----- 119

♦ انذار دنیوی در قرآن کریم: «و من اعرض عن ذکوی فلن له معیشه ضنکا و نحشره یوم القیامه اعمی» (طه، ۱۲۴)، یعنی: و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگیِ تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محسور می‌کنیم.

♦ نزول عذاب دنیوی انذار دیگری برای گناهکاران: «فبدل الذین ظلموا قولا غیر الذی قیل لهم فلنزل علی الذین ظلموا رجزا من السماء بما كانوا یفسقون» (البقره، ۵۹) یعنی: اما کسانی که ستم کرده بودند، [آن سخن را] به سخن دیگری - غیر از آنچه به ایشان گفته شده بود - تبدیل کردند و ما [نیز] بر آنان که ستم کردند، به سزای اینکه نافرمانی پیشه کرده بودند، عذابی از آسمان فرو فرستادیم.

بیشترین پیام انذار اشعیاء که در بخشهای مختلف کتابش مورد توجه او بوده درباره خدا فراموشی قوم است: «وای بر شما قوم گنهکار که پشتتان زیر بار گناه خم شده، وای بر شما مردم شرور و فاسد که از خداوند مقدس بنی اسرائیل رو گردانیده‌اید و او را ترک کرده‌اید و در ادامه می‌فرماید: اگر به گناهکاری خود ادامه دهید مثل ساکنان شهرهای سدوم و عموره که مردمی فاسد بودند از بین می‌روی و اورشلیم نیز مانند آن دو شهر ویران می‌شود، اگر خدایتان را فراموش کنید، من شما را اخطار می‌کنم که هلاک شما حتمی است. مانند اقوامی که خداوند قبل از شما نابود کرد شما را نیز نابود خواهد کرد». (اشعیاء، ۱/۴-۱۰)

«وای بر شما که از صبح تا شب به عیش و نوش می‌پردازید. با ساز و آواز و شراب محفل خود را گرم می‌کنید و خدا را فراموش کردید. به همین سبب به سرزمینهای دور تبعید خواهید شد و رهبرانتان از گرسنگی و مردم عادی از تشنگی خواهند مرد.» (همان‌جا، ۱۲/۵-۱۳)

«خداوند برای مجازات اسرائیل آنها را از سرزمینشان به دیار دور تبعید کرد تا گناه قوم اسرائیل را کفاره کند و آنها را از هر چه بت و بتکده است پاک کند.» (همان‌جا، ۹/۲۷)

«عدم اجابت دعاها یکی دیگر از مجازاتهای خدا فراموشان است.» (همان‌جا، ۲/۵۹)

۱۲۰----- منہاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

«اشعیا علت رو برگرداندن خداوند از قوم را پرستش بتهای خود ساخته و پر شدن زمین آنها از جادوگری شرقی ها می داند». (همان جا، ۶/۲-۹)

«خداوند براین قوم رحم و شفقت نمی کند زیرا خالق خود را نمی شناسند». (همان جا، ۱۱/۲۷)

«قوم بنی اسرائیل بخاطر شرابخواری و میگساری پیامهای خدا را در نمی یابند». (همان جا، ۷/۲۷)

«خداوند به قوم خود می گوید: ای کران! بشنوید و ای کوران! ببینید من شما را برگزیدم تا رسولان مطیع من باشید اما شما به آنچه دیده و شنیده اید توجه نمی کنید شما قومی کور و کر هستید . خداوند قوانین عالی خود را به قوم خود عطا کرد تا ایشان آنرا محترم بشمارند و توسط آن عدالت او را به مردم جهان نشان دهند . اما آنها راههای او را دنبال نکردند و از قوانین او اطاعت نکردند، به همین خاطر خداوند بر قوم خود خشمگین شد و بلای جنگ را دامنگیرشان ساخت». (همان جا، ۱۸/۴۲-۲۵)

«چرا دسترنج خود را صرف چیزی می کنید که سیرتان نمی کند ، به من گوش دهید و از من اطاعت کنید تا بهترین خوراک را بخورید و از آن لذت ببرید . ای قوم من ! با گوشهای باز و شنوا نزد من بیایید تا زنده بمانید، من با شما عهدی جاودانی می بندم . و برکاتی را که به داوود پادشاه وعده دادم به شما می دهم و اقوام بیگانه مطیع شما خواهند شد و به شما عزت و افتخار خواهم بخشید». (همان جا، ۵-۱/۵۵)

انذار متکبران در قرآن و عهد قدیم

در قرآن کویم فرد متکبر و خودخواه از رحمت و محبت خدا بهره ای ندارد: «ولا تصعر خدک للناس و لا تمش فی الارض مرحاً ان الله لا یحب کلّ مختال فخور» (لقمان، ۱۸)، یعنی: و از مردم [به نخوت] رُخ برمتاب، و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسند لافزن را دوست نمی دارد. در آیات دیگر نیز (الحدید، ۲۳؛ النساء، ۳۶) به این مورد اشاره شده است.

بشارت و انذار در قرآن و عهد قدیم با نظر به کتاب اِشْعِیاء ----- 121
نیش تند انذار اشعیای نبی شامل افراد متکبر هم شده و درباره آنان چنین پیشگویی
کرده است: «روزی فرا خواهد رسید که خداوند انسانهای مغرور را پست و خوار
خواهد کرد». (اشعیاء، ۱۲/۲)

در تلمود نیز در بلوۀ متکبر چنین آمده است: «هرکس که مغرور و متفرعن است، چنان
است که گویی بت پرستی می کند، منکر اصول دین است، هر گونه عمل زشت و
فسق و فجوری را مرتکب می شود و سزاوار آن است که مانند درختی که مانند بت
می پرستند قطع گردد. خاک او بیدار نخواهد شد (یعنی در روز رستاخیز مردگان او زنده
نخواهند شد) و شیخنا به خاطر او زاری می کند». (کهن، ۲۳۶ و ۲۳۷)

توصیه به پاکدامنی و انذار زنان بدکردار در قرآن و عهد قدیم

در آیه ۳۱ سوره النور به زنان توصیۀ عفاف و پاکدامنی شده، تا به رستگاری دست
یابند، «و به زنان با ایمان بگو: دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی
ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که [طبعاً] از آن پیداست. و باید
روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهران یا
پدران یا پدران شوهران یا پسران یا پسران شوهران یا برادران یا پسران برادران یا پسران
خواهران یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی نیازند یا
کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند، آشکار نکنند و پاهای خود را [به
گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زیتشان نهفته می دارند معلوم گردد. ای مؤمنان!
همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید».

اشعیاء به زنان بد کردار قوم هشدار می دهد که بدکرداری آنها باعث رسوایی، از دست
دادن زیباییهای ظاهری و مرگ شوهرانشان خواهد شد: «خداوند زنان مغرور اورشلیم را
که با عشوه‌گری راه می روند و النگوهای خود را به صدا در می آورند و با چشمان
شهوته انگیز پرسه می زنند، خداوند بر سر آنان بلای گری (کچلی) خواهد فرستاد و
آنان را در نظر همه عریان و رسوا خواهد کرد. بجای بوی عطر بوی تعفن خواهند داد
و شوهرانشان کشته خواهند شد». (اشعیاء، ۱۷/۳۱-۲۵)

۱۲۲ ----- منہاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

انذار به فرا رسیدن قیامت و رستاخیز

هنگامی که قرآن کریم به مسأله قیامت و حوادث آن اشاره می کند، آن صحنه را چنان به تصویر می کشد که جلوی چشم خواننده مجسم و حاضر شود، گویی در آن موقعیت قرار دارد. از آن جمله می توان به چند سوره (الزلزال، ۱-۶؛ حج، ۱-۲؛ انشقاق، ۱-۵؛ القارعه، ۱-۵؛ الفجر، ۲۱؛ عبس، ۳۳-۳۷؛ نبأ و الحاقه و...) اشاره کرد. (الباش، ۲۴۹)

در تورات (اسفار پنجگانه) همان طور که قبلاً اشاره شد، مطلبی در مورد قیامت و پاداش و کیفر اخروی وجود ندارد. در تعالیم انبیاء بعد از تبعید، توصیفات کلی از روز داوری خداوند وجود دارد که بسیار شبیه توصیفات روز قیامت در قرآن است: در کتاب اشعیا هم به فرارسیدن چنین روزی هشدار داده شده است: روزی فرا خواهد رسید که خداوند زمین را با زلزله ای بلرزاند و مردم از ترس همه چیز خود را گذاشته و به درون غارها خواهند رفت تا از خشم خدا در امان باشند، این انسان چقدر ضعیف است و ناپایدار، هیچگاه به اتوکل نکنید. (اشعیا، ۲/۱۹-۲۲) خداوند زمین را ویران و متروک خواهد کرد و ساکنانش را پراکنده خواهد ساخت. (همان جا، ۱/۲۴) ماه تاریک خواهد شد و خورشید، دیگر نور نخواهد داد زیرا خداوند قادر متعال سلطنت خواهد کرد او بر کوه صهیون جلوس کرده و در اورشلیم حکومت خواهد کرد. (همان جا، ۲۳/۲۴) در آن روز هر کس شخص بدکاری را ببیند خواهد شناخت و بر همه آشکار خواهد شد که سخنان آنان در مورد خداوند دروغ بوده و آنان هیچگاه به گرسنگان کمک نکردند. (همان جا، ۷-۵/۳۲) روزی خواهد رسید که آسمان مانند دود ناپدید خواهد شد و زمین همچون لباس پوشیده خواهد شد و مردمش خواهند مرد، اما نجاتی که من به ارمغان می آورم برای همیشه باقی خواهد ماند و عدالت من هرگز از بین نخواهد رفت. (همان جا، ۶۲/۵۱) ناله کنید زیرا روز خداوند نزدیک است. در آن روز، دستهای همه از ترس سست خواهد شد و دلها آب خواهد گردید همه هراسان خواهند شد و دردی شدید مانند درد زایمان وجودشان را فرا خواهد گرفت. بریکدیگر نظر خواهند افکند و از دیدن صورتهای دگرگون شده یکدیگر به وحشت خواهند افتاد. زمین ویران شده و گناهکاران هلاک خواهند گردید. ستارگان آسمان نور نخواهند داشت، خورشید هنگام طلوع تاریک

بشارت و انذار در قرآن و عهد قدیم با نظر به کتاب اِشْعِیَا ----- 123
خواهد شد و ماه روشنائی نخواهد بخشید. خداوند می فرماید در روز خشم طوفانی خود،
آسمانها را خواهم لرزاند و زمین را از جای خود تکان خواهم داد. (همان جا، ۱۳-۶/۱۳)
او خود جهان را به نور خویش روشن خواهد کرد. (ه مان جا، ۲۶/۳۰) مشابه این جمله،
در آیه ۶۹ سوره الزمر می باشد. «و اشرق الارض بنور ربها»، یعنی: مردگان تو زنده
شده، از خاک بر خواهند خاست زیرا شبم تو بر بدنهای ایشان خواهد نشست و به آنها
حیات خواهد بخشید. کسانیکه در خاک زمین خفته اند بیدار شده سرود شادمانی س ر
خواهند داد». (اشعیاء، ۱۹/۲۶) نکته ای که از فقره اخیر کتاب اشعیاء دریافت می گردد،
معاد جسمانی است. زیرا قبر جای جسم است و جایگاه روح نمی باشد. این جمله،
شبهه آیه ۷ سوره الحج است که می فرماید: «ان الله یبعث من فی القبور».

نتیجه مقاله

انسان از منظر دینی موجودی است کاملاً مبتلا به نسیان و فراموشی و دائماً معرض
ارتکاب خطا و گناه، در این زمینه و بستر است که باید به طور مستمر و مکرر او را
مورد تحذیر و تبشیر قرار داد. انبیاء در این راه با بشارت دادن به ثوابهای فراگیر دنیوی
و اخروی توبه کوشیده اند تا بر گشوده بودن راه بازگشت تاکید کنند و نوید دهند که
او به آرامش درون (نهایت تمنای درونی هر انسان) دست خواهد یافت و این محقق
نمی شود مگر به پاس گام نهادن در وادی ایمان تا از این پس در روشنائی نور ایمان راه
سعادت خود را ببیماید. اما در برابر تمام نسیان ها و خطاها انذار به اینکه خدا فراموشی
و نسیان او در رأس بلایا قرار دارد و عواقب آن تمامی حیات باطنی و ظاهری، دنیوی
و اخروی، فردی و اجتماعی را فرا خواهد گرفت. از مواردی است که در قرآن و
عهدین بر آن تأکید شده است. از دیگر تنذیرهای مکرر در این متون، توجه دادن به
حسابرسی اعمال در روز واپسین و گرفتاریهای افراد خطاکار در آن برهه است. درنگاهی
کلی اطاعت از اوامر الهی باعث یافتن حیات طیبه و عمر طولانی و بابرکت، محبوبیت
قلوب، وارثت زمین، آرامش و امنیت و بالاتر از همه اینها رسیدن به بهشت و مقام رضای
الهی است و عدم اطاعت از فرامین الهی موجب زندگی سخت در دنیا و نابینا محسور

۱۲۴ ----- منہاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

شدن در قیامت، نزول عذاب آسمانی، تبعید و دوری از وطن، عدم اجابت دعاها، دوری از رحمت الهی، غضب الهی و بالاتر از همه اینها، عذاب دردناک جهنم است.

در انذار و تبشیر آخروی، تفاوت بسیار ملاحظه می شود. چرا که در قرآن و به طور کلی در دین اسلام انذار و تبشیر بیشتر از جنبه تأثیرات آخروی آن مورد توجه است، اما در عهد قدیم بیشتر انذار و تبشیر دنیایی مطرح است. در قرآن کریم پاداش و کیفر فردی مطرح است مگر در مواردی که عمل ما در دیگران و جامعه هم اثر گذار بوده باشد.

این در حالی است که در عهد قدیم، در ابتدا پاداش و کیفرها بیشتر جنبه عمومی داشت اما پس از تبعید و اسارت بر پاداش و کیفر فردی تاکید شده است. در دین اسلام برای اعمال نیک و عده پاداش مضاعف، مطرح شده است (الانعام، ۱۶۰؛ سبأ، ۳۷؛ النساء، ۴۰) اما در عهد قدیم برای گناهان مجازات چندین برابر مطرح شده است.^۱ این مقایسه نیز بیانگر عمق بیشتر و ارزش بالاتر برای تبشیر در اسلام است، بر خلاف آنچه که امروزه از اسلام به عنوان یک دین خشن به جهان معرفی شده است.

کتاب شناسی

- ۱- قرآن کریم؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ۲- کتاب مقدس (استانبول، ۲۰۰۷).
- ۳- التفسیر التطبیقی للکتاب المقدس، جمعی از نویسندگان، شرکت ماستر میدیا، قاهره، ۱۹۹۶ م.
- ۴- این کمونه، سعدبن منصور؛ تنقیح الابحاث عن الملل الثلاث، مطبوعات جامعه کالیفرنیا، آمریکا، ۱۹۶۷ م.
- ۵- این منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، ج ۵، انتشارات دار صار، بیروت، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- ۶- اپستاین، ایزیدور، یهودیت بررسی تاریخی، بهزاد سالکی، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۵ هـ.ش.

۱- «اگر احکام و اوامر مرا اطاعت نکنید و پیمانی که با شما بستم بشکنید، بر سر شما بلای ناگهانی می آورم، شما را به مرضی بی درمان گرفتار می کنم، به تیبی که چشمانتان کور و عمر شما را کوتاه کند و دشمنان محصول زحمت شما را بخورند. شما را بدست دشمن مغلوب می کنم. اگر باز هم از من اطاعت نکنید، سزای گناهانتان را هفت برابر می سازم، باران بر زمین نخواهد بارید و زمین شما مانند آهن سخت خواهد شد» (لاویان، ۱۹/۲۶-۱۴)

- بشارت و انذار در قرآن و عهدقديم با نظر به كتاب اشعيا ----- 125
- ۷- اسمارت، نينيان، تجربه ديني بشر، ج ۲، ترجمه محمد محمد رضايي - ابوالفضل محمودي، سمت، ۱۳۸۳ هـ.ش.
- ۸- الباش، حسن، القرآن والتورات اين يتفقان و اين يفترقان، دارقتيبه، دمشق، ۱۴۲۰ هـ.ق.
- ۹- آترومن، الن، باورها و آيين هاي يهودي، ترجمه رضا فرزین، مرکز مطالعات و تحقيقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- ۱۰- بي آزار شیرازی، عبدالکریم، باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- ۱۱- عبدالاحد داود، محمد کما ورد فی کتاب اليهود و النصری، مکتبه العبيکان، ریاض، ۱۴۱۷ هـ.ق.
- ۱۲- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل، معجم مفردات الفاظ قرآن، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
- ۱۳- رامیار، محمود، بخشی از نبوت اسرائیلی و مسیحی، بی تا، مشهد، ۱۳۵۲ هـ.ش.
- ۱۴- شلبي، احمد؛ مقارنه الادیان ۱ (اليهوديه)، مکتبه النهضه المصريه، قاهره، ۱۹۸۸ م.
- ۱۵- صادقی، محمد، بشارت عهدین، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۴۶ هـ.ش.
- ۱۶- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ هـ.ق.
- ۱۷- طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو - تهران، ۱۳۷۲ هـ.ش.
- ۱۸- عویس، عبدالحلیم؛ موسوعه مصطلحات علوم القرآن، دار الوفاء، بی جا، ۲۰۰۶ م.
- ۱۹- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق دکتر مهدی المخزومی، انتشارات اسوه، قم، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- ۲۰- فیروزآبادی، القاموس المحيط، جلد ۵، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- ۲۱- فیومی، احمدین محمدبن علی، المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی، دارالهجره، قم، ۱۴۰۵ هـ.ق.
- ۲۲- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ هفتم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵ هـ.ش.
- ۲۳- کرینستون، جولوس، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقيقات ادیان و مذاهب، تهران، ۱۳۷۷ هـ.ش.

۱۲۶----- منهاج - سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

۲۴- کهن، آبراهام، گنجینه‌ای از تلمود، اساطیر، تهران، ۱۳۸۲ هـ.ش.

۲۵- ماسون، دنیز، قرآن و کتاب مقدس درون مایه‌های مشترک، ترجمه فاطمه سادات تهامی، چاپ دوم دفتر پژوهش و نشر سهروردی، تهران، ۱۳۸۶ هـ.ش.

۲۶- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ هـ.ش.

۲۷- محمدیان، بهرام، دایره المعارف کتاب مقدس، سرخدار، ۱۳۸۱ هـ.ش.

۲۸- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۱ هـ.ش.

۲۹- نوری، حسین، بررسیهای تحقیقی درباره آیین یهود و مسیحیت، مجمع علم و دین، تهران، ۱۳۴۴ هـ.ش.

30- Gitay ,Yehshua, " Isaiah", in Encyclopaie of Religion,ed Mircea Eliade, Vol 7, New York, 1995.

31-Wilson, Robert, " Prophecy", in Encyclopaedi of Religion,ed, Mircea, Eliade, Vol 12, New York, 1995.